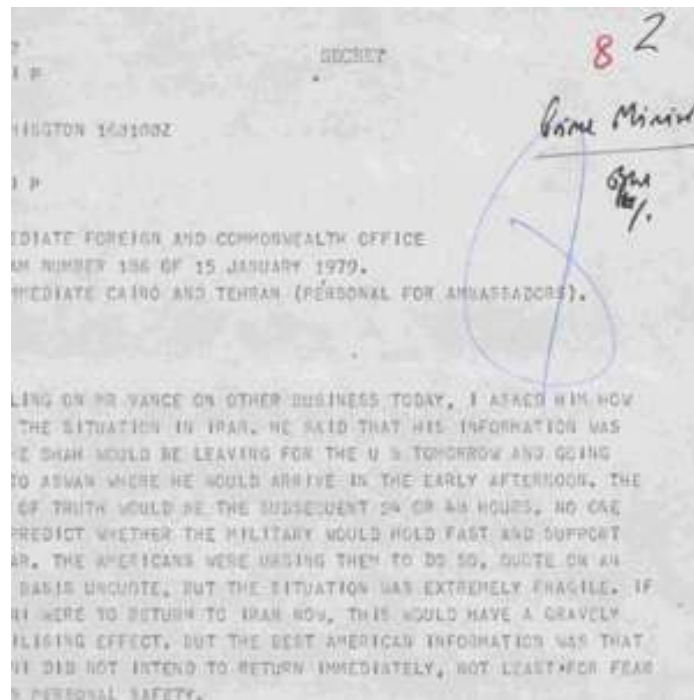


گزارش هایی از اسناد طبقه بندی شده تازه آزاد شده در آرشیو ملی
بریتانیا درباره ایران از اول ژانویه تا ۱۱ فوریه



ایران و جهان در سال ۱۹۷۹
گزارش پنجم: تحولات داخلی ایران-
بخش نخست از اول ژانویه تا ۱۱ فوریه

نویسنده : مجید تفرشی

گزارش هایی از اسناد طبقه بندی شده تازه آزاد شده در آرشیو ملی
بریتانیا درباره ایران و جهان.

در پنجمین بخش از این گزارش ها به بررسی تحولات داخلی در
سال ۱۹۷۹ می پردازیم. به دلیل حجم انبوه اسناد، از ذکر گزارش
هایی که عمدتاً به بیان رویدادها و روند حوادث می پردازند
خوداری کرده و بیشتر به بیان دیدگاه ها، تحلیل ها، رایزنی ها و

دیدارهای مهم خواهیم پرداخت.

سال ۱۹۷۹ میلادی در شرایطی آغاز شد که با توجه به تحولات سریع و حوادث ماه های پایانی سال ۱۹۷۸، روز به روز امید محمد رضا شاه بر حفظ خود و خاندانش بر اریکه قدرت و بقای نظام پادشاهی در ایران کمتر می شد.

این ناامیدی در رفتار آشکار و نهان قدرت های غربی حامی شاه نیز آشکار بود. از همان نخستین روزهای سال، هلی کوپترها و هواپیماهای ویژه نیروی هوایی بریتانیا وارد بحرین، دبی و دیگر پایگاه های خود در دیگر کشورهای خلیج فارس شدند تا عملیات خارج ساختن اتباع این کشور از ایران بحران زده و در آستانه انقلاب را از تهران و مناطق جنوبی ایران آغاز کنند.

روز دوم ژانویه (۱۲ دی)، سر آنتونی پارسونز سفیر بریتانیا که آخرین روزهای ماموریت خود در تهران را سپری می کرد، در یک مکالمه طولانی تلفنی با شاپور بختیار گزینه اصلی شاه برای تشکیل دولت غیرنظامی جدید گفتگو کرد. در این گفتگو بختیار اعلام کرد که: "ده عضو از پانزده عضو کابینه خود را مشخص کرده و صرف نظر از یک اختلاف کوچک و مختصر، قم را نیز در کنار خود داشته و بازرگان و گروه های بازاری هم عملاً در کنار او هستند. سنجابی با او همکاری نخواهد کرد، ولی بختیار امیدوار است که بتواند دل سنجابی را به دست آورده و او را به عضویت هر شورایی که پس از خروج شاه از کشور تشکیل خواهد شد درآورد."

پارسونز پس از مکالمه تلفنی با بختیار، در گزارش خود به لندن چنین اظهار داشت: "واقعیت این است که کشور به مرحله ای نزدیک به فلج شدن رسیده است. فقط مقامات نظامی دارای قدرت انجام وظیفه هستند و تنها اپوزیسیون است که بر مردم نفوذ دارد. به قضاوت من، بختیار، که از همین حالا در خیابان ها با او مخالفت می کنند، بدون خروج فوری شاه از کشور پس از تشکیل دولت جدید، هیچ امیدی برای نجات ندارد. تنها چیزی که احتمالاً می توان اوضاع را باثبات کرده و امور اقتصادی و اداری را آرام

کند، خروج شاه است. حتی آن دسته از دوستان من که وفادارترین افراد به سلطنت هستند نیز طی چند هفته اخیر کاملاً نسبت به این امر متقاعد شده اند."

پارسونز در ادامه این گزارش تاکید می کند که هم او و هم ویلیام سولیوان همکار آمریکایی اش تصمیم گرفته اند که در شرایط کنونی حتی الامکان از دیدار با شاه خودداری کنند و اجازه دهد امور به حالت طبیعی پیش برود، چرا که برای آنان سخت است که در صورت کسب مشورت از سوی شاه در مورد سفرش به او بگویند که خروجش از ایران به صلاح است.

پارسونز در ادامه ضمن اشاره به گذشته شدن چندین نفر از مخالفان و اعلام این که: "به باور من در روزهای اخیر صدها نفر در مشهد کشته شده اند." بر ضرورت حفظ یک پارچگی ارتش تاکید کرده و از احتمال دو دستگی در نیروهای مسلح پس از خروج شاه خبر داده است.

روز چهارم ژانویه (۱۴ دی)، هنگامی که از یک سو عدم کارایی دولت نظامی ارتشبد غلامرضا ازهراری و عدم تکرار تجربه نخست وزیری نظامیان به اثبات رسید و از سوی دیگر نظر شاه به صدارت بختیار متمرکز شد، ارتشبد غلامعلی اویسی فرمانده نیروی زمینی و فرماندار نظامی تهران و حومه که همانند آبان ۱۳۵۷ آماده دریافت فرمان نخست وزیری بود، بار دیگر مایوس و با استعفا از سمت های خود آماده خروج از کشور شد.

پارسونز همچنین در گزارشی محرمانه به تاریخ هفتم ژانویه (۱۷ دی) با وجود تاکید بر توافق بختیار با شاه برای خروج او از کشور دو روز پس از دریافت رای اعتماد کابینه جدید از مجلس شورای ملی، زمان خروج پهلوی دوم را مبهم عنوان کرد و گفت اکنون به نظر می رسد که برنامه خروج شاه ظاهراً به تاخیر افتاده است.

پارسونز درباره تبعات احتمالی تاخیر در خروج شاه نوشت: "به نظر می رسد این تاخیر در برنامه زمانی اصلی که توسط بختیار پیش بینی شده بود، شانس نجات او را از بین می برد. فضای

[کشور] به طور کامل آکنده از تنش و انتظار است. خمینی پیشاپیش در پیامی که در پاریس صادر کرده دولت جدید را به عنوان نقشه ای خطرناک و اقدامی شیطنانی محکوم کرده و از مردم خواسته با آن همکاری نکرده و به اعتصاب خود ادامه دهند. هر روزی که دولت بختیار با ادامه حضور شاه در کشور به کارش ادامه دهد، این احتمال وجود دارد که بخت بختیار برای جلب حمایت اپوزیسیون از بین برود."

در شرایطی که خود شاه نیز عازم سفر بی بازگشتش به خارج از کشور بود، روز هشتم ژانویه (۱۸ دی) پارسونز نیز برای خداحافظی همیشگی از ماموریت در تهران به دیدار شاه در کاخ نیاوران شتافت. شاه ضمن اظهار این که شخصا تصمیم قطعی گرفته تا ایران را ترک کند، از سفیر بریتانیا خواست تا با او درباره آن چه که گذشت و اشتباهاتی که صورت گرفته سخن بگوید. پارسونز با ادب عنوان کرد: اگر عمر من و شما کفاف دهد، می توانیم روزی با هم گزارش های پنج سال اخیر من به دولت در لندن را بخوانیم و ببینیم که ما از ابتدا تا انتها با شاه صادق بوده ایم."

در این دیدار تودיעی شاه به پارسونز گفت که دوست دارد همین امروز از ایران برود، ولی هنوز برای این که قبل یا بعد از کسب رای اعتماد بختیار برود یا نه تصمیمی نگرفته است. مشکل این جا بود که کسب رای اعتماد از مجلس شورا و سنا ممکن بود تا یک هفته طول بکشد و تعداد زیادی از نمایندگان خواهان صحبت درباره دولت جدید و وزیرای پیشنهادی بودند و تعدادی از نمایندگان اعلام کرده بودند که در صورت ترک کشور توسط شاه از رفتن به پارلمان هراس خواهند داشت.

وقتی شاه نظر پارسونز را در این باره از او خواست، سفیر بریتانیا با مقدمه چینی ضمن آن که اعلام کرد طی پنج سال گذشته با شاه صادق بوده و در عین حال با روحیات یکدیگر آشنا شده اند گفت که در این مورد خاص تنها به بیان مواضع خود و نه بر اساس دستورالعمل دولتش می پردازد. پارسونز که به گفته خودش به طور جدی احساساتی شده بود، تاکید کرد که به دلیل آن که نمی

خواسته بر رای شاه درباره ماندن و یا رفتنش از کشور تاثیر گذاشته و این کار دخالت خارجی ها بر نظر شاه تلقی شود، برخلاف گذشته، عمدا طی دو هفته اخیر از دیدار با او خودداری کرده است.

پارسونز در ادامه به شاه پاسخ داد: "به دلایلی که هر دو ما می فهمیم، تمرکز کل تنش بر روی شخص شاه است و تا زمانی که او در کشور حضور دارد مردم باور نمی کنند که چیزی تغییر کرده است. کشور در وضع برزخی است. تنها شانس برای بختیار و نجات نهایی سلطنت، رهایی از این تنش است و این مساله بدون خروج شاه از کشور میسر نخواهد شد. به نظر من هر روزی که وضع کنونی ادامه یابد شانس موفقیت دولت بختیار از بین خواهد رفت. من البته موفقیت دولت بختیار را نمی توانم تضمین کنم. خطر بسیار جدی است، ولی در عین حال هیچ آلترناتیو دیگری در حد فاصل بین بختیار و ظهور سریع افراطی گری و اغتشاش هم نمی بینم."

در ادامه این دیدار شاه با اعلام این که برخی از امرای ارتش همچنان در تلاشند تا او را متقاعد کنند تا از خروج از کشور خودداری کند، عنوان کرد که با وجود تلاش شخصی او و ملکه برای تجدی نظر، ارتشبد فریدون جم از قبول پست وزارت دفاع خودداری کرده است، چرا که جم اعتقادی به موفقیت دولت بختیار ندارد.

شاه در پاسخ به پارسونز درباره مقصد سفرش از ایران گفت که یقینا به اروپا نخواهد رفت، چرا که هیچ کشور اروپایی حتی اگر خواهان میزبانی او باشد، قادر به فراهم آوردن شرایط مناسب امنیتی برای او نیست. از این جهت وی احتمالا عازم یکی از کشورهای سلطنتی عرب خواهد شد.

تصمیم جدی شاه برای خروج از ایران در شرایطی گرفته شده بود که بر اساس دو گزارش پارسونز در دهم ژانویه (۲۰ دی)، اردشیر زاهدی سفیر ایران در واشنگتن و وزیر خارجه پیشین، به همراه تنی چند از امرای بانفوذ ارتش و نیروی هوایی، از جمله

سپهبد غلامعلی بدره ای (فرمانده جدید نیروی زمینی)، سپهبد بهرام خسروداد (فرمانده هوانیروز) و سپهبد امیر حسین ربیعی (فرمانده نیروی هوایی)، به شدت مخالف خروج شاه از کشور و سپردن امور به دولت بختیار بودند. زاهدی به شدت در حال لابی کردن برای تغییر نظر شاه بود و خسروداد نیز در مصاحبه ای با یک نشریه فرانسوی اعلام کرده بود که در صورت خروج شاه، کشور به دست کمونیست ها خواهد افتاد. این در حالی بود که در همین گزارش، پارسونز "دورنمای موفقیت دولت بختیار را تیره و تار" توصیف کرده بود.

پارسونز همچنین در ۱۲ ژانویه (۲۲ دی) در یک مکالمه تلفنی با دیوید اوئن وزیر خارجه کشورش از ابراز مخالفت هواداران شاه در مجلس از اعلامیه اخیر سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا در ابراز احترام به استقلال و خواسته های استقلال و آزادی طلبانه مردم ایران و حمایت از دولت بختیار، این بیانیه را مغایر با مودت آمریکا و شاه دانستند. پارسونز همچنین گزارش کرد که عده ای که به عقیده او از هواداران شاه بوده اند روی دیوار سفارت با رنگ شعارهایی با این مضمون نوشته بودند: "مرگ بر بی بی سی" و "بی بی سی خفه شو".

همزمان با این گزارش و در همان روز، سفیر بریتانیا برای خداحافظی به دیدار نخست وزیر جدید ایران شتافت. در این دیدار بختیار که به زبان فرانسه سخن می گفت عنوان کرد که در برنامه خود همه آن چیزی را که از حکومت مطالبه می کردند به آن ها داده است. بختیار بدون ذکر نام به پارسونز گوشزد کرد که شاه پیشنهاد نخست وزیری را دست کم به پنج نفر دیگر پیشنهاد کرده بود، ولی همه آن ها از پذیرش این سمت خودداری کرده بودند، ولی او فکر کرده که در این شرایط بخرنج وظیفه دارد که با وجود مشکلات این مسئولیت را بپذیرد.

بختیار یکی از مشکلات کنونی کشور را به گردن آمریکایی ها انداخته بود که با نادیده گرفتن نیروهای اپوزیسیون شرایط را به این مرحله رسانده بودند. پارسونز در مقابل ضمن رد این نظر گفت: دولت بریتانیا چنین نبوده، ولی تا همین چندی پیش ادامه

ارتباط و همکاری با ایران در صورت ارتباط با نیروهای اپوزیسیون ممکن نبود و هر گونه ارتباطی از این دست سوء ظن و دشمنی شاه را افزایش می داد. این شرایط انتخابی ما نبود، ولی ما قادر به اصلاح این امر نبودیم."

در این مقطع با آن که آمریکا و بریتانیا امید چندانی به توفیق دولت بختیار نداشتند، ولی همچنان از او نیز همانند دولت های قبلی منصوب شاه حمایت می کردند. وز ۱۵ ژانویه (۲۵ دی) تنها یک روز قبل از خروج همیشگی شاه از ایران، پیتر جی سفیر بریتانیا در آمریکا در یک گزارش سری از قول سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا نوشت که بختیار با شنیدن خبر ارسال پیام حمایت آمریکا از دولت جدید ایران از ونس خواسته که این پیام را علنی نکنند. چرا که به قول جی: "حمایت خیلی آشکار غرب از بختیار موجب دردسر او خواهد شد." با این همه دیگر اسناد این مجموعه نشان می دهد که بختیار و همکارانش از علنی شدن حمایت واشنگتن از دولت وی ناراحت شده و در افکار عمومی ضرر کرده بودند.

ونس همچنین تاکید کرده بود که آمریکا تلاش می کند تا از بروز کودتا توسط ارتش جلوگیری کند و به مین دلیل به طور مرتب با جناح هایی از هر دو طرف مناقشه ایران در تماس است. او از "گروه بازرگان" به عنوان یکی از موارد مورد تماس از سوی مخالفان یاد کرد و عنوان کرد: "خمینی از آمریکایی ها خواسته تا او را در تماس با ارتشی ها قرار دهند. ... ونس تاکید کرد که بسیار مهم است که از درگیری خمینی و ارتش به عنوان دو نیروی اصلی ضد کمونیسم در ایران جلوگیری شود."

پارسونز قبل از پایان ماموریتش از ایران به دیدار احمد میرفندرسکی وزیر خارجه دولت بختیار شتافت. پیشتر پارسونز از میرفندرسکی به عنوان یکی از بهترین افراد وزارت خارجه ایران و کسی که به دلیل تمرد توسط شاه برکنار شده یاد کرده بود. فندرسکی نیز مانند خود بختیار امیدوار بود با تاخیر در بازگشت آیت الله خمینی به ایران، دولت جدید بتواند تاثیرگذارتر باشد. این در حالی بود که هم پارسونز و هم میرفندرسکی اذعان داشتند که

"فاصله افتادن بین تشکیل دولت بختیار و خروج شاه از کشور،
تأثیرات مثبت این دولت را محو کرده است."

میرفندرسی ضمن تأکید بر سلطنت طلب بودن خود و همچنین اظهار دلسوزی برای شاه از او به عنوان "فردی حقیقتاً با بصیرت که بر سر اهداف بزرگ قمار می کرد و نهایتاً باخت" از شاه به عنوان یک "بازنده خوب یاد کرد. میرفندرسی ادامه داد: "در تاریخ ایران مواردی بوده که برای حفظ نظام سلطنتی یک پادشاه از کار برکنار شده و او امیدی ندارد که با خروج شاه طی سه سال آینده پادشاه جدیدی در ایران بر سر کار آید."

پارسونز روز ۲۰ ژانویه (۳۰ دی) در گزارش محرمانه ای به مناسبت سپری شدن دو هفته از تشکیل دولت بختیار و سپری شدن چهار روز از دریافت رای اعتماد از مجلس و خروج شاه در همان روز می نویسد: "نفوذ خمینی در میان مردم در بالاترین حد است و دولت کنونی و شورای سلطنت را غیرقانونی اعلام کرده است. هیچ نشانی از نرم شدن مواضع او وجود ندارد و تقریباً توقف کامل همه فعالیت ها در کشور ادامه دارد و به این دلیل برای بختیار امکان اجرای برنامه هایشان وجود ندارد."

به دنبال خروج دائمی پارسونز از ایران، تا زمان ورود سر جان گراهام سفیر جدید، برای مدتی کوتاه چالمرز به عنوان نفر اول موقت سفارت فعالیت داشت. چالمرز روز ۲۹ ژانویه (نهم بهمن) سه روز قبل از بازگشت امام خمینی به ایران، از "نامحتمل و غیر ممکن بودن فرضیه ائتلاف سه جانبه بین بختیار، خمینی و ارتش" خبر داد. بر اساس این گزارش، اگرچه نیروهای مسلح و ارتشبد قره باغی رییس ستاد ارتش ایران همچنان در ظاهر از دولت بختیار پشتیبانی می کردند، ولی "مشکل نارضایتی در نیروی هوایی، هر چند در رده های پایین" وجود دارد.

گراهام سفیر جدید بریتانیا در ابتدای ماه فوریه وارد تهران شد و بلافاصله به دیدار ویلیام سولیوان سفیر آمریکا شتافت. در این دیدار که روز چهارم فوریه (۱۴ بهمن) صورت گرفت، هر دو سفیر همچون دیگر دولت های غربی از تداوم به رسمیت و قانونی

شناختن دولت بختیار در برابر دولت در آستانه معرفی توسط آیت الله خمینی خبر دادند.

به گفته سولیوان، دو جناح اصلی در صحنه سیاسی ایران با هم بی ارتباط نبودند و در ارتباطاتی که توسط برخی از یاران امام خمینی از قبیل آیت الله محمد بهشتی، مهندس مهدی بازرگان و دیگران با دولت بختیار گرفته شده بود، مهمترین موضوع مورد اختلاف تعیین این نکته بود که چه کسی باید د نظارت بر انتخابات مجلس موسسان را برعهده داشته باشد: "بختیار تشکیل یک کمیسیون مختلط را نپذیرفته و خمینی هم بر کنترل کامل خود بر این موضع پافشاری می کند."

گراهام در یک گزارش مشابه دیگر ضمن پیش بینی معرفی بازرگان به عنوان نخست وزیر دولت موقت انقلابی، از "ژنرال سابق احمد مدنی" به عنوان "رابط بین بختیار و خمینی و کسی که به شدت برای پذیرش یک راه حل از سوی طرفین، از قبیل منصوب شدن بختیار به یک سمت ارشد در دولت موقت خمینی تلاش می کند.

روز پنجم فوریه (۱۵ بهمن)، بازرگان به همراهی مشاور امور بین المللی اش، عباس امیرانتظام به دیدار سفیر جدید بریتانیا رفتند. در این دیدار گراهام نخست خود را دوست ایران معرفی کرد و اطمینان داد که کشورش خواهان یک ایران مستقل، متحد، در صلح و شکوفا است و شخصا از این که در هنگامه درد و رنج و مرگ مردم و حضور تانک هایی که ما برای مقابله با خطرات خارجی به ایران فروخته ایم در خیابان ها هستند و امیدواریم که از جنگ داخلی پرهیز شود. "بازرگان ضمن خوش آمد گویی به این تعبیر بریتانیا گفت که متقاعد شده نه آمریکا و نه بریتانیا به این نیت به ایرانی ها جنگ افزار فروخته اند که علیه مردم آن کشور استفاده شود."

بازرگان همچنین اعلام کرد که بین جناح آیت الله خمینی و بختیار به طور مرتب ارتباط وجود دارد، ولی این مذاکرات به نتیجه ای نرسیده است. رهبر انقلاب قانون اساسی ۱۹۰۶ مشروطیت و

سلطنت پهلوی را غیر قانونی می‌داند و حتی قبل از روی کار آمدن بختیار هم گفته بود که با هیچ مقام رسمی در ایران معامله نمی‌کند. از سوی دیگر، بختیار هم خود را نخست وزیر قانونی می‌داند و در روزهای اخیر نیز فاصله به این دو جناح بیشتر شده است.

پس از این دیدار، گراهام به دیدار بختیار رفت و او را در جریان گفتگویش با بازرگان نیز گذاشت. بختیار با اظهار شگفتی از مواضع بازرگان گفت: "باور نمی‌کند که بازرگان که تا چند روز قبل خمینی را غیر قابل حمایت می‌خواند اکنون گونه عمل می‌کند. بختیار در ادامه ضمن مخالفت با روی کار آمدن بازرگان گفت: "مانعی نمی‌بیند که وی به عنوان نخست وزیر دولت سایه عمل کند. ولی اگر بخواهد به عنوان نخست وزیر وارد کاخ نخست وزیری شود به سوی او تیراندازی خواهد شد."

بختیار همچنین عنوان کرد که "آماده اصلاح قانون اساسی با روش های قانونی است نه از طریق پرتاب کوکتل مولوتف. او یک جمهوری خواه و دمکرات است و دیکتاتوری شاه یا روحانی یا دیکتاتوری سرخ یا سیاه را نمی‌پذیرد."

بختیار در ادامه بر ضرورت تغییر برخی از مواد قانون اساسی از طرق قانونی تاکید کرد و گفت: "اگرچه خود شخصاً یک جمهوری خواه هستم، ولی تغییر نظام خیلی زود است و سلطنت باید ده تا بیست سال دیگر ادامه یابد."

گراهام در پایان این دیدار، بختیار را این گونه تحلیل کرده است: "او مردی تاثیر گذار، شجاع، باهوش و دوست داشتنی است، اگرچه من از این می‌ترسم که او بیشتر فرانسوی است و کمتر ایرانی و قابلیت انعطاف کمی برای یافتن راهی برای خروج از تنگنا دارد. اگر بختیار درست فکر کرده باشد که مردم کم کم از دست خمینی خسته خواهند شد، ممکن است نجات پیدا کند، ولی من می‌ترسم که نظر بختیار در این مورد درست نباشد."

اگرچه از سیر حوادث جاری در سطح شهر تهران در روز ۱۱

فوریه (۲۲ بهمن) نیز قابل مشاهده بود، ولی با مراجعه آیت الله حسن لاهوتی نماینده آیت الله خمینی و همراهان مسلحش به سفارت بریتانیا پیروزی انقلاب اسلامی به گراهام رسماً ابلاغ شد. لاهوتی خطاب به گراهام گفت: "ارتش امام و ارتش خدا پیروز شده، دولت بختیار استعفا داده و امام خمینی قدرت را در دست گرفته است. ما امیدواریم که بریتانیا به زودی دولت جدید را به رسمیت بشناسد." به گفته لاهوتی او در ماموریت بوده و عجله داشته تا مشابه این پیام را به دیگر سفارت خانه ها نیز ابلاغ کند.

بلافاصله پس از این دیدار، گراهام طی تلگرافی محرمانه قطعی بودن "پیروزی جنبش مردمی" در ایران را به لندن اطلاع داد. گراهام در این گزارش با توجه به اظهارات لاهوتی و شعارهای ضدانگلیسی در سطح شهر تهران، از وزارت خارجه کشورش می خواهد تا نوشته ای را به بی بی سی فارسی دیکته کند: "من باور دارم که یک بیانیه خیلی زود هنگام می تواند صادر شده و به شرح زیر توسط بی بی سی فارسی قرائت شود: "مردم ایران از حق خود برای انتخاب حکومت استفاده می کنند و با به این انتخاب احترام می گذاریم. ما چیزی جز خیر برای ایران و مردم آن نمی خواهیم و امیدواریم مناقشه کنونی به قدرتمندتر و شکوفاتر شدن ایران منجر شود. ما آرزومند روابطی بهتر با ایران هستیم. ما قصدی برای مداخله در امور ایران که صرفاً به مردم آن کشور مربوط است نداریم."

پژوهش و نگارش: مجید تفرشی

منبع: دیپلماسی ایرانی

منبع: <http://www.irdiplomacy.ir/?Page=01-10&Lang=fa>